

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل

بررسی سازه انگارانه رویارویی ایالات متحده امریکا و اسلام گرایی بعد از حوادث

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

استاد راهنما:

دکتر علی امیدی

استاد مشاور:

دکتر نوذر شفیعی

پژوهشگر:

وجیهه زارع

خرداد ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم

همسر فداکارم

و

فرزند نازنینم



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل

خانم وجیهه زارع تحت عنوان

بررسی سازه انگارانه رویارویی ایالات متحده امریکا و اسلام گرایی بعد از حوادث

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر علی امیدی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر نوذر شفیعی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر احمد جالینوش با مرتبه علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج گروه دکتر اصغر منتظر القانم با مرتبه علمی دانشیار

امضای مدیر گروه

چکیده

رویارویی امریکا و اسلام گرایی در خاورمیانه که بواسطه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به اوج رسید، این پرسش را مطرح ساخت که ریشه این همه تنفر و خشونت در چیست؟ برای یافتن پاسخ صرفاً نمی توان بر اساس دیدگاه های خرد گرا به نقش عوامل مادی بسنده کرد، بلکه به خاطر نقش پررنگ عناصر فرهنگی- هویتی در این رویارویی تئوری سازه انگاری می تواند به نحو بهتری این این رویارویی را تبیین کند. در چارچوب چنین دیدگاهی آنچه اقدامات و منافع بازیگران را شکل می دهد، ناشی از هویت آنهاست، که خود مقوله ایست که در نتیجه تعامل حاصل می شود. تعامل بازیگران، تاریخ را می سازد و دوستی ها و دشمنی ها را رقم می زند. هر کنشی، واکنشی را به همراه دارد و هیچ چیز از پیش موجود نیست. همه چیز ساخته می شود و هیچ دوستی و دشمنی از قبل وجود ندارد. بر این اساس رویارویی امریکا و اسلام گرایی در خاورمیانه یک شبه و بدون هیچ زمینه تاریخی شکل نگرفته است و ذاتی نیست، بلکه در طول تاریخی طولانی از تعامل ساخته شده است؛ تاریخی از تعامل نامناسب که به قوام یافتن هویت های متخاصم بین دو طرف منجر شده است.

در این تحقیق سعی خواهد شد از منظر تئوری تکوین گرایی رویارویی امریکا و اسلام گرایی مورد تدقیق قرار گیرد و نقش هویت ها و نوع تعامل ها در شکل گیری این رویارویی بررسی شود.

کلمات کلیدی: اسلام گرایی، خاورمیانه، تکوین گرایی، صلح لیبرالی، هویت.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی ۱
- ۲-۱- کلید واژه ها ۳
- ۱-۲-۱- اسلام گرایی ۳
- ۲-۲-۱- خاورمیانه ۳
- ۳-۲-۱- صلح لیبرالی ۴
- ۴-۲-۱- سازه انگاری ۴
- ۵-۲-۱- هویت ۴
- ۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق ۴
- ۴-۱- اهداف تحقیق ۸
- ۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق ۸
- ۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق ۸
- ۷-۱- فرضیه اصلی تحقیق ۹
- ۸-۱- روش تحقیق ۹
- ۹-۱- ابزار گردآوری داده ها ۹
- ۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل ۹
- ۱۱-۱- سازماندهی پژوهشی ۱۰

فصل دوم: چارچوب نظری

- مقدمه ۱۱
- ۱-۲- نگاهی به مناظره چهارم روابط بین الملل ۱۲
- ۲-۲- خردگرایان ۱۲
- ۱-۲-۲- نوواقعگرایی ۱۳
- ۲-۲-۲- نولیبرالیسم ۱۷
- ۱-۲-۲-۲- نهادگرایی نولیبرال ۱۷
- ۲-۲-۲-۲- انترناسیونالیسم نئولیبرال ۱۸

۲۲	۳-۲- انعکاس گرایی
۲۴	۱-۳-۲- نظریه تحلیل گفتمان
۲۶	۴-۲- سازه انگاری
۲۷	۱-۴-۲- هستی شناسی
۲۷	۱-۴-۲-۱- ساخت مادی- فکری پدیده های سیاسی
۲۹	۲-۴-۱-۲- رابطه ساختار- کارگزار
۳۱	۳-۴-۱-۲- هویت پویا و تجلی آن در سیاست بین الملل
۳۳	۲-۴-۲- سازه انگاری به عنوان یک «راه میانه»
۳۶	۵-۲- جایگاه مذهب در تئوری های روابط بین الملل
۳۸	۱-۵-۲- انکار مذهب در نظریات غالب روابط بین الملل
۴۱	۶-۲- جمع بندی

فصل سوم: سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه

۴۲	مقدمه
۴۳	۱-۳- پیشینه
۴۳	۱-۱-۳- مهار کمونیسم شوروی
۴۵	۱-۱-۳-۱- مبارزه با کمونیسم از طریق حمایت از نظام های استبدادی
۴۷	۲-۱-۳-۱- تقویت اسلام گرایی برای جلوگیری از رشد ناسیونالیسم و کمونیسم
۴۸	۳-۱-۳-۱- مداخلات نظامی در خاورمیانه
۵۰	۲-۱-۳- نفت
۵۱	۳-۱-۳- اسرائیل
۵۵	۲-۳- هویت و مفهوم دیگری خطرناک در سیاست خارجی امریکا بعد از جنگ سرد
۵۵	۱-۲-۳- فرهنگ و خصوصیات مشترک
۵۶	۱-۲-۳-۱- فرهنگ انگلو- پروتستان
۵۷	۲-۲-۳-۱- دین و مذهب مسیحیت
۵۸	۳-۲-۳-۱- خودبرتری بینی
۵۹	۲-۲-۳- تعریف از خود با توجه به وجود دیگران
۶۰	۱-۲-۲-۳- اسلام به مثابه دشمن یا «دیگری خطرناک»

۳-۳- سیاست خارجی امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر.....	۶۳
۳-۳-۱- مبارزه سخت در چارچوب استفاده از قدرت نظامی.....	۶۶
۳-۳-۲- کنترل درون ساختاری و جنگ نرم امریکا در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ.....	۶۹
۳-۳-۱- تناقض دموکراسی.....	۷۳
۳-۴- جمع بندی.....	۷۶
فصل چهارم: اسلام گرایان در مقابل امریکا؛ تقابل هویت ها	
مقدمه.....	۷۷
۴-۱- هویت اسلام گرایانه: اسلام گرایان کیستند.....	۷۸
۴-۲- ظهور و رواج اسلام گرایی در خاورمیانه.....	۸۰
۴-۲-۱- دیالکتیک مدرنیته و رستاخیز مذهبی.....	۸۱
۴-۲-۲- شکل گیری هویت مقاومت در برابر غرب به عنوان «دگر هویتی».....	۸۳
۴-۲-۲-۱- تفاوت های هویتی- فرهنگی مردم مسلمان خاورمیانه با غرب.....	۸۴
۴-۲-۲-۲- ماهیت اسلام در نفی سلطه.....	۸۶
۴-۲-۲-۳- اقدامات غرب در سلطه بر وجوه مادی و معنوی زندگی مسلمانان.....	۸۷
۴-۲-۲-۱- امریکا هدف مبارزه.....	۸۹
۴-۲-۳- حکومت های خود کامه مورد حمایت غرب.....	۹۲
۴-۳- نوع رفتار سیاسی اسلام گرایان با امریکا.....	۹۴
۴-۳-۱- جریان اسلام گرای شیعی جمهوری اسلامی ایران و نوع تقابل با امریکا.....	۹۵
۴-۳-۲- جریان اسلام گرایی سنی- جهادی القاعده و تقابل با امریکا.....	۹۷
۴-۳-۱- رویدادهای بین جنگ ۱۹۷۹ افغانستان تا جنگ ۱۹۹۱ عراق.....	۹۸
۴-۳-۲- جهاد، ابزاری در جهت غیر ستیزی القاعده.....	۹۹
۴-۳-۲- تداوم حکومت های خودکامه در خاورمیانه و حمایت امریکا از آنها.....	۱۰۱
۴-۳-۳- اسلام گرایی تعاملی.....	۱۰۳
۴-۴- جمع بندی.....	۱۰۴
نتیجه گیری.....	۱۰۵
منابع و مأخذ.....	۱۰۸

فصل اول

کلیات

۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی:

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث بوجود آمدن موجی بر علیه اسلام گرایی به رهبری ایالات متحده امریکا شد. ایالات متحده امریکا اقدامات وسیعی را در مبارزه با اسلام گرایی اتخاذ کرد از هجوم نظامی به افغانستان و عراق گرفته تا استفاده از دیپلماسی عمومی و تبلیغات گسترده علیه اسلام گرایی. در این چارچوب اسلام گرایی غیریتی تصور شد که امریکا در تخالف و تضاد با آن هویت خود را تعریف می کند. دشمنی که جایگزین مارکسیسم دوران جنگ سرد به عنوان دشمن ارزشهای لیبرالیستی شده است.

برای بررسی مبارزه امریکا با اسلام گرایی و ریشه یابی علل دشمنی این دو بر اساس تئوری سازه انگاری

توجه به مسائل زیر ضروری است:

۱- دشمنی امریکا و اسلام گرایان یک شبه بوجود نیامده است و ذاتی نیست بلکه ساخته شده

است.

۲- در ساخته شدن این دشمنی هویت ها، هنجارها و ارزشهای دوطرف دخالت داشته است.

۳- در تئوری سازه انگاری نقطه آغاز برداشتهایی است که در نتیجه تعامل حاصل شده است.

۴- برداشت ایالات متحده این است که بنیادگرایی اسلامی مساوی است با تروریسم.

۵- اسلام گرایی نیز علت العلل تمام مصائب و مشکلات خود را در غرب و بویژه ایالات متحده می‌داند.

تئوری سازه انگاری اگرچه به امور عینی و مادی نیز توجه دارد اما اولویت اصلی را به انگاره‌ها و اندیشه‌ها می‌دهد. در چارچوب تحلیل سازه انگاری نمی‌توان سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین الملل تقلیل داد زیرا تعاملات دولت‌ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند (چکل^۱، ۱۹۹۸:۳۲۴-۳۴۸).

بر این اساس ایالات متحده آمریکا خود را به عنوان قدرتمندترین کشور دنیا و حامی ارزشهای لیبرالی تعریف می‌کند و به واسطه این هویت است که «دیگران» شامل اسلام‌گرایان را دشمن تعریف می‌کند و از این طریق برای خود هویت‌سازی می‌کند. دشمنانی که از نظر ایالات متحده امنیت نظام بین الملل را به مخاطره می‌اندازند.

ایالات متحده در مبارزه خود با اسلام گرایی از توجیحات نظری قوی استفاده نمود. یکی از این توجیحات نظری نظریه صلح لیبرالی است که از زمان کلینتون نفوذ زیادی در دستگاه سیاست خارجی آمریکا داشته است. برداشت ایالات متحده این است که وجود لیبرالیسم و ارزشهای لیبرالی به معنای صلح و عدم وجود ارزشهای لیبرالی مساوی است با خشونت و تروریسم. بنابراین از آنجا که اسلام گرایی مخالف ارزشهای لیبرالی است، بنابراین جنگ طلب و خشونت گراست و این خشونت طلبی را نیز در حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آشکار ساخت. بنابراین از نظر ایالات متحده اسلام گرایی خطری مهم برای امنیت نظام بین الملل محسوب می‌شود، خطری که از خطر کمونیسم کمتر نیست و باید با آن مبارزه شود.

در واقع ایالات متحده بعد از ۱۱ سپتامبر این گونه برداشت کرده است که تروریسم در عواملی چون عدم آزادی، حکومت‌های دیکتاتوری و عدم انتخابات ریشه دارد و این عوامل باعث می‌شود که گروه‌های مختلف نتوانند به صورت مسالمت آمیز با یکدیگر رقابت کنند لذا دست به اقدامات خشونت آمیز می‌زنند. بنابراین تنها راه جلوگیری از خشونت و ترور، گسترش ارزشهای دموکراتیک و مبتنی بر حقوق فردی در اینگونه کشورهاست. در این راستا ایالات متحده طرح خاورمیانه بزرگ را ارائه داد تا کشورهای منطقه خاورمیانه را با اصول و روش حکومت دموکراتیک آشنا کند.

با این وجود ایالات متحده صرفاً به ابزارهای نرم برای مبارزه با اسلام‌گرایی بسنده نکرده است و ابزار سخت و نظامی را نیز مورد استفاده قرار داده است. آمریکا معتقد است مجبور به استفاده از ابزار نظامی است تا با گسترش دادن ارزشهای لیبرالی از رشد آن جلوگیری کند و به دفاع از آن پردازد. در واقع آنها خاورمیانه بزرگ را باتلاقی فرض کرده اند که باید آنرا خشکاند چرا که این باتلاق رادیکالهایی مثل بن لادن را پرورش می دهد که بر خلاف منافع ملی ایالات متحده و امنیت بین المللی است (کوک^۱، ۲۰۰۵: ۲).

از طرف دیگر اسلام‌گرایان در واکنش به بحرانهای اجتماعی که آنها ناشی از مدرنیسم می دانند چاره را در تاکید بر اصول و بنیادهای اسلامی دانسته و احیای ارزشهای مذهبی مورد نظر خود را مورد تاکید قرار میدهند. اسلام‌گرایان که آمریکا را عامل تمام بدبختی های خود می پندارند به مقابله با آن پرداخته و این دشمنی ها باعث ایجاد فضایی ناامن در منطقه خاور میانه شده اند.

در این تحقیق سعی خواهد شد بر اساس تئوری سازه انگاری به تجزیه و تحلیل مبارزه آمریکا با اسلام

گرایی پردازیم.

۱-۲- کلید واژه ها:

۱-۲-۱- اسلام‌گرایی^۲: جریانی که خواستار جوامع و حکومت های اسلامی بر اساس قوانین و اخلاقیات اسلامی است که در آن مشروعیت تنها از اسلام نشات می گیرد. با این وجود اسلام‌گرایان از لحاظ خصوصیات یک کشور اسلامی، چگونگی اداره آن و اینکه چه کسی آن را اداره کند و به چه وسیله ای باید آن را مستقر کرد، اختلاف نظر دارند (هانتر، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

۱-۲-۲- خاورمیانه^۳: خاورمیانه اصطلاحی است مبهم که از بدو پیدایش آن تا کنون به هیچ محدوده جغرافیایی مشخص که مورد تایید همگان باشد اطلاق نشده است. در واقع خاورمیانه عنوانی است قراردادی و تا حدودی دلخواه. برخی معتقدند منطقه ای بین عربستان و هندوستان است که مرکز آن در خلیج فارس قرار دارد. اما به طور نسبی و با توجه به پارامترهای مورد نظر صاحب نظران، منطقه خاورمیانه را می توان مرکب از این کشورها دانست: ایران، اردن، امارات متحده عربی، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، قطر، کویت، لبنان، یمن (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

1Cook

2Islamism

3Middle East

۱-۲-۳ صلح لیبرالی^۱: این مفهوم بر این تاکید دارد که اصولاً دولتهای لیبرال بر علیه یکدیگر وارد جنگ نمی شوند. بر این اساس اینگونه دولتها یک نوع «صلح جداگانه» را بوجود آورده اند که آنها را از سایرین متمایز می سازد. گرچه گفته می شود که دولتهای لیبرال در رابطه با یکدیگر در صلح به سر می برند ولی در روابط خود با رژیم های اقتدارگرا پرخاشگر و ستیزه جو هستند (قوام، ۱۳۸۲: ۳۵۰).

۱-۲-۴- سازه انگاری^۲: این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می کند، که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید. سازه انگاری به این امر می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

۱-۲-۵- هویت^۳: در تئوری تکوین گرایی نقش هویت ها اهمیت بسیاری دارد. از این نظر کار ویژه هویت ها در هر جامعه ای این است که اولاً به خودتان و دیگران می گویند که شما کیستید. ثانیاً هویتها وقتی به شما می گویند که کیستید دقیقاً دلالت بر مجموعه خاصی از منافع یا ترجیحات در ارتباط با گزینه های اقدام در حوزه های خاص و در ارتباط با کنشگران خاص دارند. هویت هر دولت تلویحاً گویای ترجیحات و کنشهای بعدی آن دولت است. ثالثاً هر دولت بر اساس هویتی که به دیگران نسبت می دهد آنها را می شناسد و همزمان از طریق عمل اجتماعی روزمره اش هویت خودش را باز تولید می کند (هوپیف، ۱۳۸۶: ۴۵۵).

۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

در ارتباط با اقدامات امریکا در برخورد با اسلام گرایی کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر در آمده است ولی هیچ کدام مستقیماً مبارزه امریکا با اسلام گرایی را از منظر تئوری سازه انگاری مورد توجه قرار نداده اند. با این وجود در تحقیق حاضر از آثار ارزشمند زیر استفاده شده است:

سیونگیو (۱۳۸۷) در مقاله ای تحت عنوان «خاورمیانه؛ عرصه رویارویی گفتمان سلطه جویی و گفتمان سلطه ستیزی» معتقد است که استراتژیامپراتوری مابانهایالاتمتحدهبرایسلطهبرخاورمیانهمقاومتلایههایدرونیجوامع

خاورمیانه را برمی انگیزد و این مقاومت اکنون، با توجه به شرایط جهانی شدن و تجربه‌های تاریخی مردم، شکلهای مختلفی خواهد داشت. ورجو عبهرهنگدینمیگیرد و جلوه‌های آن نوزای اسلام، اسلام‌سیاسی و بنیادگرایی‌نیرا تولید میکند. همان‌گیزه‌های تازه‌ایالات متحده در گسترش یکسردگیامپراتوری‌مانه و هم‌چرخش‌بنیادگرایی‌اسلامی، به لحاظ زمینه، با جریان‌بزرگ‌تری چون جهانی‌شدن ارتباط دارد. جهانی‌شدن انگیزه‌هایالات متحده را برای مهار هر چه بیشتر نیروها و منابع جهانی تقویت می‌کند، درحالی‌که‌هاز سویدیگر، در میان مردم مسلمان خاورمیانه موجب رویکرد تازه‌ای به هویت فرهنگی می‌شود. با این وجود در این مقاله اشاره‌ای به تئوری تکوین‌گرایی نشده است و بیشتر به تاثیر جهانی شدن در رویارویی آمریکا و اسلام‌گرایی پرداخته شده است.

میرکوشش (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش قدرت و هویت در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه» به این سوال پرداخته است که چگونه قدرت و هویت می‌تواند شکل‌گیری منافع ملی آمریکا در خاورمیانه را تبیین کند؟ در این مقاله منافع ملی مانند یک متغیر مستقل در نظر گرفته نمی‌شود بلکه همچون متغیری وابسته متشکل از قدرت و هویت فرض می‌شود. نویسنده در این مقاله ضمن ارائه بررسی تاریخی و تئوریک معتقد است که برای توضیح منافع ملی آمریکا در خاورمیانه باید از دو نظریه واقع‌گرایی و ساختارگرایی که به ترتیب بر قدرت و هویت تاکید می‌کنند، استفاده شود. اما گرایش بیشتری به سوی ساختارگرایی وجود دارد. بر این اساس نویسنده تاکید می‌کند از آنجا که سیاست‌سازان آمریکا هیچ‌گونه شباهت هویتی میان آمریکا و خاورمیانه نمی‌بینند (که این ناشی از واگرایی هویت‌هاست) سبب شده است که آمریکا سیاست‌های مبتنی بر قدرت را در منطقه خاورمیانه پیگیری کند.

اگرچه این مقاله مسائل مربوط به هویت را به طور اجمالی پوشش داده و همچنین بر قدرت نیز تاکید کرده است، ولی چارچوب تئوریک مقاله مبهم است، به این معنی که نمی‌توان منظور نویسنده را از تئوری ساختارگرایی درک کرد. تا آنجا که به نظریه‌های روابط بین‌الملل مربوط می‌شود تئوری ساختارگرایی مقولاتی مانند نظریه والرشتاین و نظریه کنت والتز را پوشش می‌دهد که عامل تاثیرگذار بر رفتار واحدها را ساختار می‌دانند و مهمترین فاکتورها در مورد جامعه را سرشت و سازماندهی نیروهای مادی می‌دانند و در واکنش به ساختارگرایان تئوریهای پسا-ساختارگرا یا پست مدرن مطرح شده است که به ابعاد گفتمانی و غیر مادی توجه دارند و اهمیتی به مسائل مادی نمی‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۵۱-۳۲۶). با تعریفی که نویسنده مقاله فوق از ساختارگرایی ارائه می‌دهد مشخص نیست منظور نویسنده همان پسا-ساختارگرایی است یا منظور تئوری تکوین‌گرایی است.

ریس کاپن (۱۳۸۵) در مقاله ای تحت عنوان «صلح مردم سالارانه- مردم سالاریهای جنگ طلب: تفسیر مکتب برسازی اجتماعی از استدلال لیبرالها» به خوبی تئوری صلح لیبرالی را از منظر تئوری تکوین گرایی تحلیل نموده است. در این مقاله نویسنده بعد از توضیح نظریه صلح لیبرالی علت صلح و جنگ در روابط بین الملل را از منظر دیدگاه تکوین گرایی بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که هم دوستی و هم دشمنی بر ساخته اجتماعی هستند و برداشتهای بازیگران از هم بسیار مهم است. بر این اساس مردم سالاریها از آن رو با هم نمی جنگند که یکدیگر را متمایل به صلح جویی می انگارند و بر اساس همین انگاره دست به عمل می زنند. در صورتی که مناسبات میان مردم سالاریها و رژیم های اقتدارگرا اسیر پیش فرض وجود نیات بالقوه تجاوزکارانه است که در گامهای بعدی برداشت معمای امنیتی پدید می آورد. پس هم نبود معمای امنیت میان مردم سالاریها و هم وجود آن در تعاملات نظامهای مردم سالار با غیر مردم سالار بر ساخته هایی اجتماعی اند که از طریق فرایند برداشت و تعامل بوجود می آیند.

این مقاله که در جهت اثبات تئوری صلح مردم سالارانه از طریق تئوری تکوین گرایی است مقاله ای بیشتر تئوریک است و از آنجا که این مقاله قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نوشته شده است به این حوادث اشاره ای نشده است. همچنین این مقاله صرفا بازیگران دولتی را مورد توجه قرار داده و نقش بازیگران غیر دولتی را در نظر نگرفته است.

آشکار (۱۳۸۴) در کتاب جدال دو توحش به این موضوع می پردازد که بنیادگرایی اسلامی دست پرورده امریکا است و امریکا مستقیما مسئول رونق بنیادگرایی ضد غربی است و در واقع ۱۱ سپتامبر چشمگیر ترین نمونه پدیده ای است که در آن مخلوق به مخالفت با خالق خود می پردازد. بنیادگرایی نمود بحرانی مخالفت با سلطه امپریالیستی و رژیم های بورژوازی فاسدی است که این سلطه بر آنها متکی است. در یک کلام از نظر ژیلبر آشکار وحشی گری ایالات متحده در خاورمیانه باعث فعال شدن نفرت عمیقی نسبت به امریکا در قلبهای مسلمانان این منطقه شده است. این نفرت است که عامل محبوبیت عظیم حمله کنندگان ۱۱ سپتامبر نزد مردم جهان سوم و فراتر از آن به شمار می رود. در قسمتی از این کتاب می خوانیم که ستایندهان تروریست ها از دیدن منظره فرو ریختن برجهای دوقلوی سازمان تجارت جهانی و عملیات بمب گذاری آنها در سراسر جهان به شادی فریاد می کشند و خواستار عملیات بیشتری می شوند. ستایندهان قدرت نظامی امریکا منظره ویرانی افغانستان و عراق را دلپذیر می یابند و خواستار کشتار بیشتری می شوند. ما آشکارا در آن زمانهای دگرگونی اجتماعی هستیم که وحشیگری و لذت بردن از دیدن درد و رنج دیگران چون شاهی بر برتری خود با صراحتی بیشتر، بی قید و بند تر و بی هیچ شرم و تنفیری رخ می دهد. بنابراین نبردی که بین بنیادگرایان اسلامی و امریکا در جریان است

جنگ تمدن ها نیست بلکه برخورد توحش های تمدنهایی است که در ابعاد مختلف کمی، در جریان روند تاریخی و دیالکتیکی طولانی تمدن پنهان شده بودند. از نظر آشکار توحش ضعفا واکنشی است به توحش قدرتمندان و بنابراین خاستگاهش را باید در توحش قدرتمندان یافت.

این کتاب ارزشمند اگرچه به خوبی علت دشمنی امریکا و اسلام گرایی را تشریح کرده است و کتاب تاثیرگذاری است ولی نقش ارزشها و هنجارها و هویت ها را نادیده گرفته است و دچار نوعی تقلیل گرایی است. در واقع این کتاب نسخه دیگری از تئوری جنگ تمدنهای ساموئل هانتینگتون است با این تفاوت که به جای تمدن معتقد به توحش است و نقش ایالات متحده را در این وحشیگری بسیار برجسته می کند. همچنین در این مقاله علایق سوسیالیستی نویسنده و استفاده وی از مفاهیم و آموزه های چپ مشهود است.

فالر (۲۰۰۳) در کتابی تحت عنوان «آینده اسلام سیاسی» به طور کامل جریانهای اسلام گرا در ایران، سودان، لیبی و سایر نقاط جهان اسلام را بررسی کرده و ویژگی های این جریانها را بررسی کرده است. نویسنده علاوه بر اینکه نقش فرهنگ و دین اسلام را در خصومت اسلام گرایان و غرب مورد توجه قرار داده است، این سوال را مطرح می کند که چرا پایه های عمیق ضد غربی در بسیاری از اندیشه های اسلام رادیکال در منطقه خاورمیانه وجود دارد؟ و در پاسخ معتقد است بسیاری از رنجشهای تاریخی که در جامعه مسلمانان برضد غرب وجود دارد ریشه در قرن ها برخورد و رقابت، مسئله مستعمره ها، امپریالیسم، نئو امپریالیسم، هژمونی و قدرت غرب و جهانی شدن به شیوه ای غربی دارد.

این کتاب دلایل امریکا در مبارزه با اسلام گرایی را بررسی نکرده است و بیشتر به طور یک طرفه به بررسی مسائل مربوط به اسلام گرایان پرداخته است. همچنین چارچوب تحلیلی مشخصی در کتاب وجود ندارد ولی از فحوای کتاب مشخص است که نویسنده دیدگاهی واقعگرایانه دارد.

سیسک (۱۳۷۹) در کتاب اسلام و دموکراسی به این سوال اساسی می پردازد که آیا دین اسلام با تکررگرایی و نهادهای دموکراتیک سازگار است؟ به علاوه سیسک در این کتاب به طور کلی رابطه بین دین و سیاست را مورد کاوش قرار می دهد و علاوه بر آن موج جهانی دموکراتیک کردن در اواخر قرن بیستم را به عنوان پس زمینه ای برای تفاسیر متفاوت اسلام سیاسی بررسی می نماید. همچنین نقش جنبش ها را در ایران، الجزایر، مصر، ادرن، خلیج فارس و اجتماع فلسطین تحلیل می کند. این کتاب سه سناریوی ممکن را برای آینده جهان اسلام مطرح می سازد: سنتز جدیدی از مفاهیم اسلام و عمل دموکراتیک، رد بنیادگرایی، رویارویی و مصالحه مستمر.

این کتاب ارزشمند نیز از آنجا که قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر به رشته تحریر در آمده است به این حوادث اشاره ندارد. همچنین علل مبارزه امریکا با اسلام گرایی را بررسی نکرده بلکه به بررسی میزان سازگاری فرهنگ اسلامی و دموکراسی غربی پرداخته است.

۱-۴-اهداف تحقیق:

هدف اصلی: تبیین رویارویی ایالات متحده امریکا و اسلام گرایی بر اساس تئوری تکوین گرایی (۲۰۱۰-۲۰۰۱)

۱-۵-اهمیت و ارزش تحقیق:

هر تحقیق زمانی که بر اساس اصول تئوریک و علمی قابل قبول باشد به خودی خود ارزشمند است زیرا دریچه و چشم انداز جدیدی را برای تحلیل مسائل بین المللی مورد توجه قرار می دهد و گوشه ای از حقیقت را حتی به طور ناقص عیان می کند. این تحقیق علاوه بر اینکه از ارزش تئوریک برخوردار است می تواند در شناخت مسائل بین الملل و بویژه مسائل مربوط به خاورمیانه موثر باشد. در عصری که داشتن اطلاعات و شناخت دقیق مسائل اهمیت اساسی در اقدامات راهبردی دارد این تحقیق می تواند گوشه ای از واقعیت را نشان دهد و راهنمایی برای عمل در عرصه سیاست خارجی باشد.

۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق:

از آنجا که یکی از موضوعات مهم قرن حاضر رویارویی امریکا و اسلام گرایی است، شناخت و ریشه یابی علل بوجود آمدن این رویارویی میتواند در حل مسئله بسیار مهم باشد. اهمیت این موضوع با توجه به برداشت ایالات متحده از نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری اسلام گرا دوچندان است. بنابراین از آنجا که انجام کنش و واکنش موثر در قبال موضوعات بین الملل نیازمند ریشه یابی دقیق آن موضوعات است، نتایج تحقیق حاضر می تواند در اتخاذ تصمیم گیری های استراتژیک توسط مراکز تحقیقاتی و استراتژیکی مثل دفتر مطالعات وزارت امور خارجه موثر باشد. همچنین پژوهش حاضر برای محیط های علمی و دانشگاهی، دانشجویان و همچنین ارتقای سطح دانش محققان و علاقه مندان به موضوع مفید می باشد.

۱-۷- فرضیه اصلی تحقیق:

فرضیه اصلی: عوامل فرهنگی در رویارویی ایالات متحده امریکا و اسلام گرایی نقش قابل توجهی طی سالهای بعد از ۱۱ سپتامبر ایفا کرده است.

۱-۸- روش تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱-۹- ابزار گردآوری داده ها (پرسشنامه، مصاحبه و ...)

در این تحقیق با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه گردآوری اطلاعات از روش های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای (کتاب، مجلات، مقالات، اسناد، گزارش ها و روزنامه های خبری) و منابع اینترنتی (مقالات اینترنتی، اخبار و اطلاعات آماری) با تکیه بر داده های تاریخی و قرائن و شواهد موجود با استفاده از تحقیقات انجام شده بوسیله دیگران صورت پذیرفته است.

۱-۱۰- ابزار تجزیه و تحلیل:

تئوری مورد استفاده در این تحقیق تئوری سازه انگاری است. سازه انگاری از جمله رهیافت های متأخر در مطالعات اجتماعی و روابط بین الملل است و امروزه بسیار کوشش می شود تا مسائل عمده سیاست بین الملل از جمله روابط خارجی دولت ها با استفاده از این رهیافت بررسی گردد. در رویکرد تکوین گرایانه فرض بر این است که هنجارها، تعریف کننده هویت ها و هویت ها نیز تعریف کننده منافع هستند. لذا با درک چگونگی تأثیرگذاری هنجارها بر هویت، می توان چگونگی تعریف منافع و نیز منافع ملی را که اساس عملکرد سیاست خارجی یک کشور است درک کرد (ونت،^۱ ۱۹۹۹: ۲۲۸).

۱-۱۱- سازماندهی پژوهشی

برای فهم بهتر و منطقی مباحث و جلوگیری از پراکنگی مطالب، سازماندهی پژوهشی در سه فصل انجام پذیرفته است. به این صورت که در فصل اول تئوری سازه انگاری به عنوان چارچوب تئوریک تحقیق حاضر در چارچوب مناظره چهارم روابط بین الملل، مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل تئوری سازه انگاری به عنوان تئوری میان پارادایمی و به عنوان راهی میانه در نظر گرفته شده است که اجزای هستی شناختی آن از اهمیت بیشتری نسبت به عناصر معرفت شناختی آن برخوردار است. این عناصر هستی شناختی در سه دسته اصلی مورد بررسی قرار می گیرد، شامل: ساخت مادی- فکری پدیده های سیاسی، ساختاریابی با تأکید بر رابطه ساختار- کارگزار و هویت پویا. همچنین بواسطه اهمیت نقش مذهب در رابطه با موضوع مورد مطالعه، به تعیین جایگاه مذهب در تئوری های روابط بین الملل و بویژه تئوری سازه انگاری می پردازیم. در فصل دوم به بررسی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در خاورمیانه می پردازیم و ضمن بررسی سابقه تعاملی ایالات متحده امریکا با خاورمیانه مسلمان، نقش عناصر هویتی امریکا در تلقی اسلام به مثابه «دیگری خطرناک» را مورد توجه قرار می دهیم. در پایان این فصل اقدامات امریکا در مبارزه با اسلام گرایی را در دو قالب عمده مورد بررسی قرار می دهیم، شامل: ۱- مبارزه سخت در چارچوب استفاده از قدرت نظامی و ۲- کنترل درون ساختاری و جنگ نرم امریکا در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ. در فصل سوم تقابل اسلام گرایان با امریکا را به مثابه تقابل هویت ها مورد بررسی قرار می دهیم. در این فصل ضمن تشریح هویت اسلام گرایان و دلایل رواج آن در خاورمیانه، نوع رفتار سیاسی سه جریان عمده اسلام گرایی شامل جریان اسلام گرایی شیعی جمهوری اسلامی ایران، جریان اسلام گرایی سنی- جهادی القاعده و اسلام گرایی تعاملی را با ایالات متحده امریکا مورد بررسی قرار می دهیم. در نهایت مطالب این رساله با ارائه نتیجه گیری از این سه فصل به پایان می رسد.

فصل دوم

چارچوب نظری: تئوری سازه انگاری

مقدمه

رویارویی ایالات متحده امریکا با اسلام گرایی در خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را اگرچه می توان از منظر رویکردها و نظریه های مختلف روابط بین الملل توضیح داد و فهمی از آن بدست آورد، اما آن رویکرد یا نظریه ای می تواند به نحو بهتری این رویارویی را تبیین کند که شاخص های هستی شناسانه آن کمترین میزان تناقض و بیشترین تطبیق را با عملکرد ایالات متحده و اسلام گرایی داشته باشد. بر این اساس از آنجا که عناصر ایدئولوژیک و هنجاری در رویارویی امریکا و اسلام گرایی از قوت بالایی نسبت به سایر عناصر برخوردار است، نویسنده معتقد است که نظریه سازه انگاری به علت توجه به مسائل ایدئولوژیک و هنجاری در کنار مسائل مادی بهتر از سایر نظریه ها می تواند رویارویی ایالات متحده و اسلام گرایی را توضیح بدهد. بر این اساس در این فصل سعی در توضیح تئوری سازه انگاری در چارچوب مناظره های روابط بین الملل خواهیم داشت.

همچنین به خاطر نقش مذهب در هویت بخشی گروه های اسلام گرا و از آنجا که اسلام گرایی پدیده ای مذهبی است که راه حل بسیاری از مسائل سیاسی را در مذهب جستجو می کند، برای تکمیل بحث سعی شده جایگاه مذهب در تئوری های روابط بین الملل و اهمیت آن در نظریه سازه انگاری بررسی شود. اهمیت این